

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

## CIA

### در افغانستان

به ادامه گذشته:

- دومین متحد ستراتیژیک و در عین حال حریف "سی.ای.ای" در افغانستان استخبارات ارتش پاکستان معروف به "آی.اس.آی" است. هر چند در پاکستان به تعداد ۶ نهاد امنیتی "آی.اس.آی - آی.بی - ام.آی - اف.آی.ای - سی.ای.ای - اس.بی." که تقریباً تمام ساحات زندگانی مردم آنجا را پوشش استخباراتی می دهند، فعال است، مگر معروف ترین و بدنام ترین همه آنها همان "آی.اس.آی" به شمار می رود. این سازمان که به مانند و اتکای "ام.آی.۶" و حتا چه بسا به تحریک وی در قبال افغانستان عمل می کند، از آوان ایجاد پاکستان با فراز و نشیب های خاصی حیات خویش را ادامه داده، هر چند شکست های متواتر نظامی پاکستان در رویارویی های مستقیم با هند، از اعتبار و شهرت آن کاسته بود، مگر چند عامل باعث گردید تا آن نهاد انسان کش دوباره قد راست نموده به مثابه یکی از نهاد های استخباراتی مطرح در سطح جهان به شمار آید.

عواملی که باعث احیای مجدد آن گردید به ترتیب قرار آتی اند:

\* نابودی "ساواک" در زیر ضربات سهمگین خلق ایران که به ارتجاع امپریالیستی و مذهبی امکان نداد تا حین دوباره سازی و ترمیم آن نهاد به عین اعتبار دست یابد. در نتیجه همان طوریکه در آغاز و در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ هجری اسناد و مدارک "ساواک" به پاکستان و به "آی.اس.آی" سپرده شده بود، با سقوط رژیم شاه و درگیری نظام آخندی با امریکا، وظایف آن سازمان نیز به "آی.اس.آی" سپرده شد. وظایفی که ساده ترین آن تأمین امنیت در خاور میانه به ویژه کشور های خلیج بود.

\* تجاوز شوروی بر افغانستان و نفوذ بیش از حد "ک.گ.ب." در تمام منطقه، برای پاکستان که مجبور بود تا حدودی روابط سردی را با غرب تحمل نماید، امکان آن را به وجود آورد که به موازات عطف توجه غرب به طرف آن کشور، بیشترین منفعت را دستگاه دولتی عربی و طویل آن کشور که "آی.اس.آی" نیز بخشی از آن است تصاحب نمایند. به خصوص وقتی جنرال "ضیاء" ریاست آن سازمان را در سال ۱۹۸۰ به فردی مانند "اختر

عبدالرحمان" که در همان رشته تحصیل نموده و به صورت کامل مورد اعتماد "ام.آی.۶" بود، سپرد، دیگر کمترین ممانعتی در راه گسترش آن باقی نماند.

\* تثبیت برخی پیروزی ها در قبال خرید رهبران تنظیم ها با ایجاد یک مقاومت رسمی وابسته به خود از درون مقاومت خود جوش مردم افغانستان، به علاوه آنکه اعتبار آن نهاد را در نزد کشور های غربی افزایش داد، نفوذش را در درون احزاب اسلامی پاکستان و هزاران مدرسه مذهبی که به وسیله آنها کنترل می شد ریشه دارتر نموده در طی زمان می توان گفت تمام آنها را منقاد خویش گردانید.

\* با آغاز حملات تروریستی در کشمیر و مصروف ساختن هندوستان که در آن زمان سخت در همسویی به شوروی حرکت می نمود، از یک سو دل ملیونها مسلمان بنیادگرا را در سرتاسر جهان به دست آورد و از جانب دیگر جهان غرب را نیز به حمایت از خود متعهد تر گردانید.

\* ایجاد یک چتر حمایتی مطمئن در هنگام ساختن بمب اتمی آن کشور از لحاظ امنیتی و چه هم در سایر زمینه ها، حمایت کامل ارتش کشور خویش را به دست آورد.

\* در حدیقه ایجاب می نمود و توان آنرا داشت به مثابه یک "ژاندارم" در منطقه خلیج ایفای وظیفه نموده در نتیجه به علاوه میلیارد ها دلار و کسب حمایت از آن کشور، اکثریت کشور های خلیج را تابع سیاست های خویش گردانیده، امیال آزمندان نظامیان پاکستان را به وسیله آنها بر آورده ساخت. خوب ترین نمونه حمایت امارات از حرکت دولت طالب بود.

\* ایجاد رابطه حسنه و بسیار نزدیک با سازمان جاسوسی چین "ام.اس.اس" و برخورداری از حمایت های استخباراتی آن کشور علیه متحدین غربی خود

با در نظر داشتن نکاتی که مطرح نمودیم، در آستانه تجاوز جنایتکارانه امپریالیزم امریکا و شرکاء بر افغانستان "آی.اس.آی" به مثابه یکی از پر قدرت ترین سازمانهای استخباراتی جهان و منطقه به ناگزیر می بایست به همکاری ستراتیژیک با غرب به خصوص با "سی.آی.ای" آنهم به شکل یک تابع و دنباله رو تن دهد در غیر آن، این خطر وجود داشت که به علاوه افغانستان پاکستان نیز به میدان جنگ نیروهای اشغالگر مبدل شود.

در چنان شرایطی نکاتی که برای "آی.اس.آی" سخت با ارزش بوده و حیاتی به شمار می آمد می توانست دونگته باشد. نخست پاکستان را از زیر ضربت امریکا که رجز می خواند و حریف می طلبید در امان نگهدارد. گفته معروف بوش که گویا به مشرف اخطار نموده بود، پاکستان را به عصر حجر خواهد برد. و دوم استفاده هرچه بیشتر مادی و تکنیکی از شرایطی که به وجود آمد - کسب میلیارد ها دلار کمک زیر عنوان مبارزه علیه تروریسم. مگر در ضمن بر آورده ساختن آن دو هدف به مثابه یک قدرت منطقه نی باید می کوشید تا کار برای اهداف خویش را نیز فراموش ننموده به تناسب امکانات جهت تحقق آن تلاش نماید. آن اهداف قرار آتی بود:

\* کسب حمایت یک و یا چند نهاد امنیتی غرب به خصوص "ام.آی.۶" انگلیس به طرف خود. تا از جانی بر مبنای آن حمایت حیات خود را تضمین توانسته باشد و از طرف دیگر با استفاده از نفوذ و نقش آن نهاد در تطبیق اهداف خودش سود لازم ببرد. - نمونه همکاری تنگاتنگ پاکستان و انگلیس در قبال احیای مجدد از گوربرخاستگان تاریخ می تواند برجسته ترین مثال به شمار آید.

\* حفظ سلطه و نفوذ خویش در افغانستان از طریق حفظ عمال رنگارنگی که در اختیار داشت از طالب گرفته تا گلبدین و از سیاف گرفته تا وردک و امثال آنها.

\* در ضمن لو دادن افراد و بخشهایی از "القاعده"، زیر ساخت تشکیلاتی و رهبران آن را حفاظت نمودن

\* دور داشتن باند شورای نظار از قدرت تا جائیکه حتا برخی از چپ مدال گیر را نیز به عوض تشخیص تضاد اساسی و عمده در مقطع کنونی، آگاهانه و یا نا آگاهانه به دنبال خود روان ساخت.

\* با دامن زدن به تفرقه قومی، مذهبی و زبانی حفظ امکان مداخله در آینده برای خودش

\* دوام جنگ در افغانستان تا از جانبی امکان استفاده مالی برایش تداوم یابد و از طرف دیگر مجدداً امکان آنرا دریابد تا نقش قبلی خویش را در قبال افغانستان تصاحب نماید.

\* دور داشتن دست هند و تا اندازه ای ایران از افغانستان

وقتی به تعهدات پاکستان به خصوص "آی.اس.آی" در قبال غرب در مجموع و من جمله "سی.آی.آی" نظر می اندازیم و آنرا با اهدافی که خود آن کشور و دستگاه استخبارات آن برایش مبارزه می نمایند، مقایسه می نمائیم به روشنی ماهیت چگونگی همکاری پاکستان و امریکا و "آی.اس.آی" و "سی.آی.آی" خود را متباز می سازند، روابطی که اگر از جانبی همکاری، همگونی و وحدت را ایجاد می نماید، از طرف دیگر نمایانگر مبارزه آنها نیز می باشد. به تعبیر فلسفی آن، نمود کاملی از وحدت و مبارزه در یک زوج دیالکتیکی را به نمایش می گذارد.

می توان گفت فقط با چنین طرز دیدیست که می توان به عمق سیاست های چند لایه پاکستان در قبال افغانستان پی برد و فهمید که چه رابطه ای بین ساختن و اعمار یک سرک و یا یک پل و پلچک با تخریب آن به وسیله شخص سازنده می تواند وجود داشته باشد. فقط از همین منظر است که می توان درک نمود چه رابطه ای بین حمایت و تسلیح طالب با پیشنهاد تربیه افسران و صاحب منصبان افغانستان در پاکستان می تواند وجود داشته باشد. صاحب منصبانی که به صورت مستقیم و برای همیشه حافظ منافع پاکستان و حامل نفوذ آن کشور در افغانستان به شمار آیند.

اما اینکه در این بازی دوجانبه "آی.اس.آی" و "سی.آی.آی" کدام یک برنده بوده و کدام یک بازنده، به صراحت باید گفت هرچند جنگ هنوز ختم نشده و به شدت ادامه دارد، مگر هر یک از طرفین باخت و برد خاص خود را دارد.

به صورت نمونه می توان گفت، وقتی پاکستان قادر می شود از یک مشت طالب فراری که به گفته رهبر شان "ملا عمر" چون "مرغ ماکیان فرار می نمودند" و در جست و جوی یک سوراخی بودند تا خود را از زیر ضربات وحشیانه بادر نجات دهند، مجدداً یک نیروی رزمی جدید با کیفیت کاملاً مغایر با گذشته به وجود آورند که بتواند با وجود بیش از ۱۳۰ هزار سرباز اشغالگر هنوز هم ادعای حیات و حتا تقسیم قدرت نمایند، خود می تواند بردی باشد برای "آی.اس.آی" در جنگ قدرت در منطقه. و یا اینکه چنان فضاء سازی از طرف پاکستان صورت می گیرد که به نسل کشی آن دولت نه تنها به دیده اغماض نگریده می شود بلکه با ابراز همدردی از طرف جهان نیز در انجام آن جنایت حمایت مالی، نظامی و لوژیستیکی می شود، می تواند به مثابه برد "آی.اس.آی" به شمار آید. مگر وقتی خلاف خواسته اش میدان جنگ به مناطق به اصطلاح امن پاکستان چون پنجاب و سند کشانیده می شود و یا اینکه اسلام سیاسی را که خود به مثابه دیوی در شیشه نموده بود از شیشه بیرون شده و به جان دولت پاکستان می افتد، و یا اینکه در مقابل چشمانش متحدین معینی به نیرو هائی کمک می نمایند که هدف آنها تجزیه پاکستان است - نمونه کمک عربستان سعودی به عبدالملک ریگی- اینجا باخت "آی.اس.آی" و برد حریف ها می تواند به شمار آید.

در همه حال پاکستان هرچند با امریکا و "آی.اس.آی" با "سی.آی.آی" در تضاد باشند و حتا آن تضاد گاهی خود را به صورت انتاگونیستی متباز سازد، نباید فراموش نمود که وقتی پای مبارزه علیه مردم افغانستان به ویژه نیروهای انقلابی، این حارسین موجودیت، استقلال و بهروزی مردم کشور و وارثین به حق خون جانبازان پاک باز این میهن در میان باشد، آن دو نهاد جنایت گستر دست به هم داده و بدون کمترین درنگی به نابودی آن اقدام خواهد ورزید. این

نکته به خصوص برای آنهایی می تواند آموزنده بوده و آژیر خطر را به گوشه‌های شان برساند که امروز زیر نام استفاده از تضاد ها، به مانند موش های آزمایشی بین "سی.آی.ای" و "آی.اس.آی" دست و پا زده به این دل خوش می دارند که گویا اینجا و یا آنجا مدالی را کمائی می نمایند.

اینها باید بفهمند که با آن کار های شان عملاً از صف مردم بریده به مثابه یک مزدور فقیر در خدمت یک نهاد استخباراتی قرار دارند.

مردم و نیروهای انقلابی نیز باید بدانند که همچو مهره هائی دیر یا زود ماهیت اصلی شان را نشان داده ، اگر دیروز با نشانه گرفتن دشمنان یک روزه "آی.اس.آی" برای خود امکان زیست به وجود آوردند فردا با نشانه گرفتن دشمنان واقعی نهاد های استخباراتی برای عمر ننگین خویش بقاء گدائی خواهند نمود.

مردم و نیروهای انقلابی باید بدانند که برای یک دوران تاریخی طولانی یعنی تا زمانیکه افغانستان از این گرداب حوادث ملی و بین المللی نجات نیافته، پاکستان با تمام نهاد های سرکوب آن به خصوص ارتش آن کشور و "آی.اس.آی" به مثابه دشمنان دیرپای ملک و مردم ما باقی مانده، نباید یک لحظه از آن غافل ماند. چه کوچکترین غفلت و کم بها دادن به نقش زیانبار آنها، چه بسا به قیمت تجزیه و نابودی کشور نیز بینجامد.

مردم و نیروهای انقلابی باید بدانند، که نهاد های استخباراتی شش گانه پاکستان در روبرویی با افغانهای راستین که کمر برای راندن جبری متجاوزان بسته اند، همه در خدمت اشغالگران به خصوص "ام.آی.۶" و "سی.آی.ای" قرار داشته و از لو دادن آنها منفعت مالی و کسب اعتبار می نمایند.

و اما اینکه این سازمان به چه طریق در افغانستان فعال است، با تأسف باید گفت در تمام زمینه ها می توان دست دراز آن را مشاهده نمود.

آنهاییکه در زمینه با چشمان باز نظر انداخته اند خود گواه اند که "آی.اس.آی" حد اقل از دهه هشتاد قرن گذشته بدین طرف یعنی در سه دهه اخیر، با استفاده از فضای به وجود آمده در زمینه ها و بخش های اجتماعی به تربیت کادر و افراد پرداخته، از کارگر عادی یک ساختمان تا متخصص فزیک هسته ئی را در قید استخدام خود دارد، آنها طی این مدت به هزاران داکتر، انجنیر، معلم، تاجر، نویسنده و ژورنالیست را با پول و اعتبار "آی.اس.آی" به کشور های خارج فرستاده و اکنون بیشترین قسمت آن کادر ها آماده خدمت به "آی.اس.آی" می باشند.

پس بر تمام آنهاییکه علیه امپریالیزم و ارتجاع مبارزه می نمایند، لازم است تا در وجود یک پاکستانی که از راه نرسیده به قضایای افغانستان اظهار علاقه می کند بالقوه یک عضو "آی.اس.آی" را حدس زده احتیاط های لازم امنیتی را مراعات نماید مگر اینکه در عمل عکس آن به اثبات برسد.